



Theology of the City *Biannual*

Vol. 1, No. 1, Spring & Summer 2023



An Introduction to the Theoretical Analysis of Theology of the City* (In terms of the Concept, Relation, Ultimate Goal and Function of Religion)

Sayyed Majid Zahiri¹ 

Abstract

The theology of the city is a collection of knowledge that is obtained from the theological issues related to the city and its contributions, such as citizenship codes of conduct, citizenship rights, citizenship limits, and everything related to the city and city dwelling and is categorized into three branches of opinions and beliefs, ethics and norms, and rulings concerning the city by delving into religious knowledge. The relationship between theology and the city is reciprocal and mutually influential. Religion is not indifferent to humans, animals, plants, the environment and the chain of relationships and the type of communication in life, and the way religion looks at each of the above components forms a profound part of the research fields of theology of the city. Society, social relations and the demands of time and space are also effective in understanding religion. This influence and effect is one of the components that make the theological identity of the city and shows its necessity and importance. In other words, both religion and the city

* Received: 2022 Feb 14, Accepted: 2023 Feb 20

DOI: 10.22081/jtc.2023.63287.1002

1 . Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy. m.zahiri@isca.ac.ir

bring up issues for one another. The ultimate goal, in the theological depiction of the city, always fluctuates between realism and idealism, and the balance of this duality is very important. In the modeling of religion for the city, the type of view on the function of religion for the city is of interest, and presuming at least two roles of judgment and guidance for religion can lead to the formation of different models.

Keywords: city, theology, relation, realism, idealism, presuming religion as judgment, presuming religion as guidance.



درآمدی بر تحلیل نظری الهیات شهر* (از حیث مفهوم، نسبت، غایت و کارکرد دین)

سیدمجید ظهیری^۱ ID

چکیده

الهیات شهر، مجموعه معارفی است که از مسائل الهیاتی ناظر به شهر و عوارض آن، همچون آئین شهروندی، حقوق شهروندی، حدود شهروندی و هر آنچه به شهر و شهرنشینی مربوط می‌شود؛ به دست می‌آید و در سه شاخه باورها و عقاید، اخلاقیات و هنجارها، و احکام ناظر به شهر با کنکاش در معارف دینی دسته‌بندی می‌شود. رابطه الهیات و شهر متقابل و به نحو اثرگذاری و اثرپذیری است. دین نسبت به انسان‌ها، حیوانات، نباتات، محیط و زنجیره مناسبات و نوع ارتباطات در زندگی بی تفاوت نیست و نوع نگاه دین نسبت به هر یک از مؤلفه‌های فوق، بخشی عمیق از زمینه‌های پژوهشی الهیات شهر را شکل می‌دهد. جامعه، مناسبات اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی نیز در فهم دین تأثیر می‌گذارد. این تأثیر و تأثر از جمله مؤلفه‌هایی است که هویت الهیات شهر را می‌سازد و ضرورت و اهمیت آن را نشان می‌دهد. از حیث دیگر، هم دین برای شهر مسئله‌زایی می‌کند و هم شهر برای دین مسئله می‌سازد. غایت، در تصویرسازی الهیات از شهر همواره میان رئالیسم و ایده‌آلیسم در نوسان است و تعادل این دوگانه بسیار اهمیت دارد. در مدل‌سازی دین برای شهر، نوع نگاه به کارکرد دین برای شهر مورد توجه است و دست‌کم دو نگاه داورانگاری و هادی‌انگاری دین می‌تواند به تشکیل مدل‌های متفاوتی منجر شود.

واژگان کلیدی: شهر، الهیات، نسبت، رئالیسم، ایده‌آلیسم، داورانگاری دین، هادی‌انگاری دین.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

10.22081/jtc.2023.63287.1002

شناسه دیجیتال (DOI):

m.zahiri@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مقدمه

مسئله اصلی این جستار باز کردن راهی برای هم‌فهمی بهتر از جنبه‌های مهم یک پدیده نوظهور با عنوان الهیات شهر است. روش کار، تحلیل نظری است. تحلیل نظری یک پدیده نوظهور به این معناست که بدون هیچ قضاوت و ارزش‌داوری، هندسه مفهومی و مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در فهم بهتر آن پدیده را بررسی عقلی کنیم. الهیات شهر را از ابعاد مختلفی می‌توان تحلیل نظری نمود که در این جستار به چهار وجه توجه شده است:

۱. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث مفهوم؛

۲. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث نسبت بین دین و شهر؛

۳. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث غایت؛

۴. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث کارکرد دین.

بدیهی است که تعداد این ابعاد حصر عقلی نیست و می‌توان بر شمار آن افزود، لکن چهار چوب این جستار بر مدار ابعاد فوق تنظیم شده است که حداقل موارد لازم برای ترسیم یک چند ضلعی بسته از پدیده مورد نظر در ذهن (برای هم‌فهمی) می‌باشد. چنان که گفته شد ابزار روش، تحلیل نظری عقل و استدلال است، اما در مواردی اگر مؤید درون‌دینی هم نیاز بود، تنها به عنوان شاهد و قرینه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث مفهوم

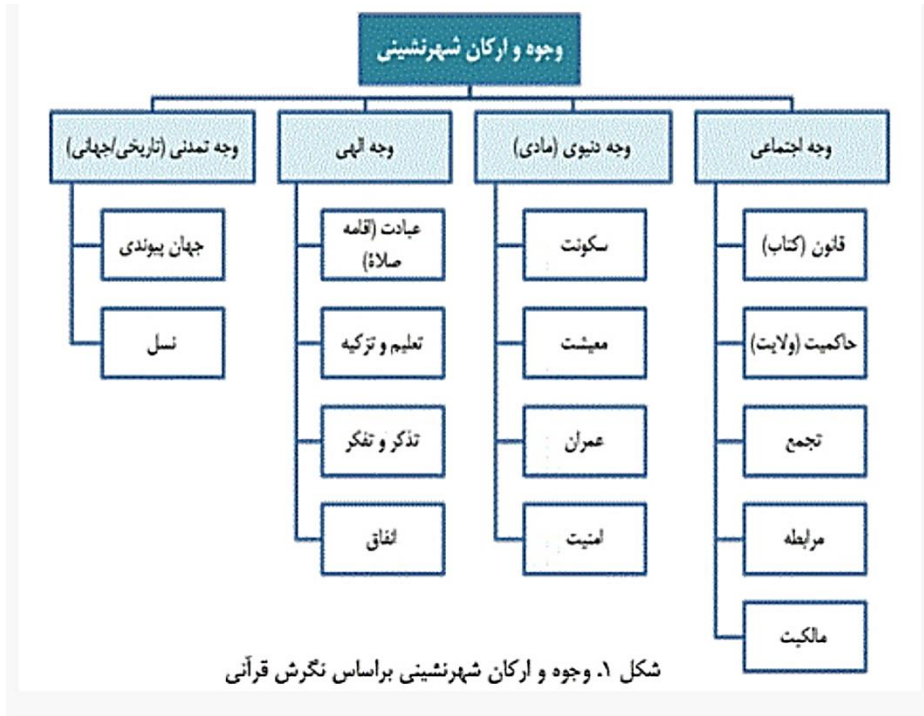
درباره شهر می‌توان دو دسته مفهوم‌شناسی را پی گرفت: ۱. مفهوم‌شناسی درون‌دینی؛ ۲. مفهوم‌شناسی برون‌دینی.

در مفهوم‌شناسی برون‌دینی نیز می‌توان دست‌کم آرای دو دسته از اندیشمندان را پیگیری نمود:

۱. اندیشمندان مسلمان؛ ۲. اندیشمندان غرب

در میان اندیشمندان مسلمان بیش و پیش از همه فارابی و ابن‌خلدون به تعریف شهر پرداخته‌اند. تعریف

هر دو اندیشمند به لحاظ منطقی تعریف به مؤلفه‌ها و ارکان است. فارابی شهر را جامع مؤلفه‌های جمعیت، تعاون، رییس فرمانفرما و مردم فرمانبردار می‌داند (فارابی، ۱۹۶۴: ۷۷-۷۱). ابن خلدون افزون بر مؤلفه‌های مورد تأکید فارابی به مؤلفه‌های سه‌گانه ساختمان‌های بزرگ، نقشه شهری و بازار نیز اشاره می‌نماید (ابن خلدون، ۱۳۳۷: ۳۴۳). البته در قرآن هم واژه‌های مدینه، بلد، قریه و دیار یا مشتقات‌شان استفاده شده و مورد توجه معناپژوهان قرآنی شهر قرار گرفته است (وفادار، ۱۳۹۷: ۸). برخی از پژوهشگران حتی افزون بر معناپژوهی شهر، ارکان شهروندی از منظر قرآن را نیز واکاوی‌ده‌اند (شریفیان، ۱۳۹۶: ۵۹).



درباره تاریخچه الهیات شهر در غرب می‌توان به کتاب شهر خدا اثر آگوستین قدیس اشاره کرد. از نظر معنایی، آگوستین دو شهر نیک و بد را توصیف می‌کند که یکی زمینی و دیگری آسمانی است. آنچه ما در مفهوم‌سازی الهیات شهر دنبال می‌کنیم شهر نیک زمینی است (ر.ک. آگوستین، ۱۳۹۴)

از میان اندیشمندان جدید غرب نیز ژان رمی، لویی ویرث، دورکیم، رابرت پارک، ارنست برگس و

رودریگ مکنزی تعاریفی با تنوع ذیل ارائه نموده‌اند:

◆ شهر، مجموعه‌ای دارای نظم و انسجام فرهنگی همراه با نوآوری و پیشرفت است.

◆ شهر به معنی ثبات دائمی به نسبت گسترده و انبوه انسان‌هایی است که از لحاظ اجتماعی و ویژگی‌های یکسانی ندارند.

◆ شهر، محل توسعه اطلاعات در یک منطقه اخلاقی است.

◆ شهر همانند یک اندام زنده اجتماعی، محل اسکان طبیعی انسان متمدن است.

از این رو شهر می‌تواند یک سازمان محیطی را به وجود آورد و ترکیبی از عناصر مادی (مدنیت) و غیرمادی (اخلاقی) است که بخش دوم، مهم‌تر است. در این نگاه، شهر، نه تنها مجموعه‌ای از افراد انسانی، امکانات اجتماعی، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های برق، متروها، نهادها، بیمارستان‌ها، مدارس و غیره است، بلکه یک قلمرو و منطقه روانی نیز می‌باشد که مجموعه‌ای از شیوه‌های کاربردی، نگرش‌های سازمان‌یافته و احساسات را تشکیل می‌دهد. بنابراین شهر دارای دو جنبه توأمان است: جنبه کالبدی و جنبه ماهیت انسانی؛ ماهیت انسانی از این لحاظ که شهر بازتاب تفکرات سازمان‌یافته در یک منطقه فرهنگی - فضایی همراه با قوانین خاص خود می‌باشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۴).

هر یک از تعاریف بالا درباره شهر را مبنا قرار دهیم، می‌توانیم به تعریف ذیل از هیات شهر متعهد باشیم: هیات شهر یعنی مسائل الهیاتی ناظر به شهر. هیات دو معنی دارد: هیات به معنای خاص و الهیات به معنای عام. الهیات به معنای خاص به موضوعات عقلی صرف متافیزیکی مربوط می‌شود. الهیات به معنای عام تمام دایره معارف و آموزه‌های دین را دربرمی‌گیرد و سه مؤلفه اصلی دارد که عبارتند از:

◀ عقاید (در اسلام، دانش کلام، عهده‌دار آن است)؛

◀ اخلاق (در اسلام، دانش اخلاق اسلامی، عهده‌دار آن است)؛

◀ احکام (در اسلام دانش فقه، عهده‌دار آن است).

توضیح مطلب آنکه آموزه‌ها و معارف الهیاتی ناظر به باورها و رفتارهای انسان هستند و رفتارهای او یا

جوارجی است که به احکام شرعی مربوط می‌شود و یا جوانحی است که به احکام اخلاقی ارتباط می‌یابد. در عبارت الهیات شهر، الهیات به معنای عام مراد و منظور است.

بنا بر آنچه گفته شد، الهیات شهر، مجموعه معارفی است که از مسائل الهیاتی ناظر به شهر و عوارض آن، همچون آئین شهروندی، حقوق شهروندی، حدود شهروندی و هر آنچه به شهر و شهرنشینی مربوط می‌شود، به دست می‌آید و در سه شاخه باورها و عقاید، اخلاقیات و هنجارها و احکام ناظر به شهر با کنکاش و غور در معارف دینی و آموزه‌های وحیانی دسته‌بندی می‌شود. از این رو، هر یک از ادیان ابراهیمی می‌توانند ناظر به آموزه‌های دین خود، الهیات شهر داشته باشند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود در آینده الهیات تطبیقی شهر مطرح گردد و در پرتو مقایسه رویکردهای ادیان مختلف به یک مسئله ناظر به شهر و شهرنشینی، اضلاع و مؤلفه‌های پدیده‌های شهری بهتر شناخته شوند. همچنین می‌توان از الهیات تطبیقی بین‌المذاهب شهر سخن گفت و ذیل آن و در چارچوب مذاهب اسلامی، فقه مقارن شهر را معرفی و پردازش نمود.

۲. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث نسبت

نسبت دین و شهر چیست؟ این یک مسئله پیچیده است. واژه پیچیده در ترجمه Complex به کار می‌رود. در نگاه نخست یک مسئله اگر قابل تجزیه به مسائل ساده‌تر باشد، مسئله مرکب نامیده می‌شود، اما پیچیدگی و ترکیبی که از آن سخن می‌گوییم به ساختاری صوری - زبانی مسئله مربوط نمی‌شود. پرسش نسبت دین و شهر به پرسش‌های متنوعی قابل تجزیه است. رابطه پرسش‌های به دست آمده با مسئله اصلی، یک ارتباط مفهومی است. در حقیقت، نسبت دین و شهر، قابل درک عمومی است، اما فرق رویارویی محققانه این است که این مسئله به مسائلی با وضوح و تعیین کامل تبدیل شود.

یکی از مهمترین پرسش‌های مقدماتی برای فهم مسئله مرکب و پیچیده نسبت دین و شهر، تعیین مراد از مفهوم نسبت است. از مفهوم نسبت می‌توان استفاده‌های زیادی کرد؛ برخی از آنها عبارتند از:

الف) نسبت به معنای مقایسه دو امر که خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. مقایسه دو شیء به‌عنوان دو مفهوم کلی از حیث مصادیق‌شان یا دو مجموعه از حیث اعضای‌شان

(نسب اربعه در منطق) یا مقایسه دو قضیه (نسب در قضایا).

۲. نسبت دو شیء به معنای تأثیر و تأثر دو شیء بر و از هم.

۳. نسبت دو شیء به معنای مقایسه آنها از حیث شیء سوم.

ب) نسبت از حیث اطراف که خود به دو بخش تقسیم می‌شوند:

۱. نسبت دو طرفه؛

۲. نسبت n طرفه.

ج) نسبت به معنای مقایسه دو شیء از حیث مسئله‌زایی.

آنچه در نسبت دین و شهر قابل تطبیق به نظر می‌رسد، معنای سوم از دسته الف و معنای دسته ج است

(ظهیری، ۱۳۸۱: ۹).

در معنای سوم نسبت، رابطه دین و شهر تأثیر و تأثری است. دین نسبت به انسان‌ها، حیوانات، نباتات، محیط و زنجیره مناسبات و نوع ارتباطات در زندگی بی‌تفاوت نیست و نوع نگاه دین نسبت به هر یک از مؤلفه‌های فوق، بخشی عمیق از زمینه‌های پژوهشی الهیات شهر را شکل می‌دهد. اما آیا دین از شهر متأثر هم می‌شود؟ استاد شهید مرتضی مطهری در عبارتی معروف می‌گوید فتوای شهری، بوی شهری می‌دهد و فتوای روستایی بوی روستایی: «اگر کسی فتوای فقهاء را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آن‌ها در مسائل زندگی توجه کند، می‌بیند چگونه سوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج در فتوایش تأثیر داشته، به طوری که فتوای عرب، بوی عرب می‌دهد و فتوای عجم، بوی عجم، فتوای دهاتی، بوی دهاتی می‌دهد و فتوای شهری، بوی شهری» (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

از این رو جامعه، مناسبات اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی نیز در فهم دین تأثیر می‌گذارد. این تأثیر و تأثر از جمله مؤلفه‌هایی است که هویت الهیات شهر را می‌سازد و ضرورت و اهمیت آن را نشان می‌دهد. تأثیر و تأثر دین و شهر می‌تواند بی‌واسطه یا با واسطه باشد. تأثیر و تأثر با واسطه، پیچیدگی بیشتری دارد؛ زیرا وسایط می‌توانند جلی، خفی و اخفی باشند. پیش‌فرض‌های نگاه فاعل شناسا در هستی‌شناسی و

معرفت‌شناسی از این نوع وسایط هستند.

در معنای ششم از نسبت، هم دین برای شهر مسئله‌زایی می‌کند و هم شهر برای دین مسئله‌سازی می‌نماید.

۳. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث غایت

دو غایت برای شکل‌دهی رویکرد الهیات شهر قابل‌تصور است: ۱. نگاه ایده‌آلیستی الهیات به شهر؛ ۲. نگاه رئالیستی الهیات به شهر.

دلیلی که باعث می‌شود آدمی ایده‌آرمان‌شهر را دنبال کند، وجود چیزهای نامطلوب و فقدان چیزهای مطلوب است. آنچه برای آدمی نامطلوب است، شر به‌شمار می‌آید. هیچ انسانی شرور را بر نمی‌تابد. وجود شرور و آسیب‌هایی که بشر در طول تاریخ حیات خود از آن دیده است، همواره این پرسش را در ذهن و ضمیر او ایجاد کرده است که آیا جهانی ممکن است که در آن از این شرور خبری نباشد و آدمی در کمال امنیت و به دور از چنین آسیب‌هایی به زندگی خویش ادامه دهد؟ آیا ایده‌آرمان‌گرایی در فرهنگ دینی مبتنی بر تعالیم و آموزه‌های نورانی اهل بیت = آن نحوه از تفکر است که به انسان این نوید را می‌دهد که جامعه‌ای خالی از شرور برای او تحقق بخشد؟ در این جا توضیحی درباره ماهیت شرور ضروری به نظر می‌رسد. شرور را به دو دسته تقسیم می‌کنند: شرور طبیعی و شرور اخلاقی. شرور طبیعی مانند زلزله و سیل و دیگر بلاهای طبیعی است که به مقتضای نحوه تکوین طبیعت که منشأ آن اراده الهی است، در عالم اتفاق می‌افتد. شرور اخلاقی بدیهی است که انسان به مقتضای اختیار خود بر انجام فعل قبیح در حق خود، انسان‌های دیگر و طبیعت انجام می‌دهد.

وجه ممیز نگاه رئالیستی به شهر دینی و نگاه ایده‌آلیستی به آن در اعتقاد به مسئله شرور در شهر آرمانی دینی آشکار می‌شود. بر اساس نگاه ایده‌آلیستی در شهر آرمانی دینی زمینه هر شری بالجمله از بین خواهد رفت و شهروندان بدون هیچ رنجی زندگی خواهند کرد. بر اساس نگاه واقع‌گرایانه، اگرچه مطلوبیت شهر آرمانی دینی از حیث مبارزه با شرور و به حداقل رساندن رنج‌ها و آلام بشری، در مقایسه با وضعیت دیگر

الگوهای زیست‌شهری بسیار مطلوب‌تر است، اما شر و رنج جزء جدایی‌ناپذیر حیات بشر در این جهان است و از این رو در آرمان‌شهر دینی نیز شر و رنج وجود دارد و براساس آموزه‌های ادیان تنها پس از این دنیا و در جهان دیگر امکان رفع رنج، بالجمله وجود دارد.

استاد شهید مرتضی مطهری در تفسیر این بیان وحی که «لقد خلقنا الإنسان فی کبد» (بلد/۴)؛ «همانا انسان را در رنج و سختی آفریدیم»، معتقد است که مصیبت‌ها، بلاها و شداید و سختی‌ها برای تکامل بشر ضرورت دارد و اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد، بشر تباه می‌گردد. تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این شلاق راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون در جهان نباتات، حیوانات و به ویژه انسان صادق است (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۶).

ایشان همچنین تصریح می‌کنند خداوند متعال دو برنامه قطعی و لایتخلف جهت به کمال رساندن انسان‌ها در نظام خلقت بشر تدوین کرده است؛ برنامه تشریحی و برنامه تکوینی و در هر دو برنامه، شداید و سختی‌هایی قرار داده است تا انسان‌ها بدان شداید و سختی‌ها آزموده و آبدیده شوند و کمال یابند. شداید و سختی‌ها در برنامه تشریحی عبارتند از عبادات از قبیل روزه، حج، جهاد و انفاق و نماز و غیره و شداید و سختی‌های تکوینی عبارتند از بلایای جانی و مالی و غیره که به‌طور قهری انسان را دربرمی‌گیرد و صبر و استقامت در مقابل آن‌ها موجب کمال نفس و شکوفایی استعدادهای انسانی می‌شود (همان: ۱۷۸).

به اعتقاد استاد مطهری فرمول اصلی آفرینش جهان فرمول تضاد است و دنیا جز مجموعه‌ای از تضاد نیست. هستی و نیستی، حیات و موت، بقا و فنا، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی و بالاخره خوش‌بختی و بدبختی در این جهان توأم‌اند (همان: ۱۹۰-۱۹۱). همچنین ایشان در تفسیر این سخن ملاصدرا که «لولا التضاد ما صح دوام الفيض عن مبدأ الجواد»؛ «اگر تضاد نمی‌بود ادامه فیض از خدای بخشنده صورت نمی‌گرفت، معتقد است که جهان طبیعت مملو از قطع‌ها و وصل‌ها، بریدن‌ها و پیوند زدن‌ها، قیچی‌کردن‌ها و دوختن‌هاست و این لازمه مخصوص این عالم می‌باشد (همان: ۱۹۲)

استاد مطهری در بحث از مبانی فلسفی تضاد در این جهان به سخنی از ابن سینا مبنی بر این که حرکت بدون معاوق ممکن نیست اشاره کرده و اظهار می‌دارد که در جهانی که حرکت و جنبش، مقوم آن است، باید تضاد حکومت کن؛ زیرا حرکت، تکاپو و تلاش است و تلاش وقتی محقق می‌شود که اصطکاک و تضاد وجود داشته باشد (همان: ۱۹۷-۱۹۶).

بنابراین در آرمان‌شهر دینی هم، تضاد، کشمکش، رنج، امور ناخواسته، بلایای طبیعی، شیطان و وسوسه‌هایش، انسان‌های شرور و بدکار وجود دارند، اما براینکه تمام تلاش‌های انسانی و اجتماعی در آرمان‌شهر دینی به سوی کمال، رفع کاستی و ایجاد بایستگی، مبارزه با انسان‌های شرور و بدکار و تلاش برای پرهیز از وسوسه‌های شیطان است. در آرمان‌شهر دینی عدالت، حاکم است. اخلاق، سیطره دارد و غلبه با خیر، خوبی و کمال است. این نگاهی رئالیستی و واقع‌گرایانه است که تحقق آرمان‌شهر دینی را برای ما ممکن می‌نماید و گرنه حداقل آسیب نگاه‌های ایده‌آلیستی و ذهن‌گرایانه و تخیلی که نسبتی با واقعیت این عالم ندارد، این است که هیچ‌گاه انسان در شرایط واقعی و عینی امیدی به تحقق آن نخواهد داشت و تنها با خیال آن دلخوش می‌دارد (ر.ک. ظهیری، ۱۳۹۱).

از این رو الهیات شهر باید با توجه به غایات رئالیستی بنا گردد، نه بر اساس ایده‌آلیسم و ذهن‌گرایی غیرقابل تحقق. پس در رویکرد الهیاتی به شهر و نظریه‌پردازی در عرصه آرمان‌شهر دینی، باید مراقب سقوط در ورطه ذهن‌گرایی بود. شهر دینی یک ایده واقع‌گرایانه است و هر گونه ذهن‌گرایی و ایده‌آل‌سازی افراطی آسیبی است که مانع تحقق آن می‌شود.

آیت‌الله جوادی آملی نقش حکمت عملی را راهنمای اخلاقی بشر در زیست اجتماعی می‌داند و نقش حکمت نظری را اسلامی کردن علوم معرفی می‌کند. «مطلب اساسی آن است که برخی از علوم با مردم کار دارد و برخی دیگر از علوم مستقیماً با فضا در ارتباط است، برخی علوم با عمق آسمان‌ها و برخی از علوم با عمق دریا و مانند آن مرتبط است، برخی علوم هستند که با جهان بیرون کار ندارند، با آسمان و زمین و صحرا و دریا و مردم و جامعه کاری ندارند، بلکه با علوم کار دارند، یعنی این علم با دانش‌ها کار دارد، نه با دانشمندان

و نه با مردم عادی؛ علوم تجربی و ریاضی و مانند آن سفره تعلیم و تربیت را یا درباره آسمان و زمین گشوده‌اند یا درباره دریا و سایر، اما الهیات فلسفه هیچ ارتباط مستقیمی با مردم و آسمان و زمین ندارد؛ الهیات فلسفه با علوم کار دارد؛ یعنی اگر حکمت عملی برای تربیت مردم و برای اسلامی کردن جامعه است، الهیات فلسفه برای اسلامی کردن علوم است و باید علم را مسلمان کند (جوادی آملی، پیام به ششمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی، ۱۴۰۰).

۴. تحلیل نظری الهیات شهر از حیث کارکرد دین

آرمان‌شهر تنها فیلسوفان و به‌ویژه فیلسوفان سیاست را به خود مشغول نداشته است، بلکه به نوعی دانشمندان تجربی در عرصه‌های مختلف را نیز به تفکر واداشته و حتی هنرمندان هم در این عرصه سهمی داشته‌اند. کتاب آتلانتیس نو اثر فرانسیس بیکن و کتاب یوریزن اثر ویلیام بلیک از این قبیل هستند. اما نوع نگاهی که این‌ها به زندگی علمی و پیشرفت دارند، پرسشی را در ذهن ایجاد می‌کند و آن این که مدل‌های ایشان تا چه اندازه با روح آدمی سازگار است (قادری، ۱۳۸۸: ۶۸). سازگاری با روح و جان آدمی در مدل‌سازی آرمان‌شهر خودبه‌خود پای دین و کارکرد آن را به میان می‌کشد.

برای فهم و معرفی آرمان‌شهر دینی و مؤلفه‌های آن، ماهیت آن و نگاه تحلیلی به آن، به چیزی بیش از تعریف حدی و رسمی منطقی متعارف نیازمندیم. راه تحلیل آرمان‌شهر دینی این است که به این پرسش پاسخ دهیم که شهر دینی به چه معناست؟ و مؤلفه‌های شکل‌دهنده و اصلی‌ترین عناصر بنیادین آن چیست؟ این راه، راه مناسبی است و ما به همین سیاق، تحلیل ماهیت‌شناسانه آرمان‌شهر دینی را پی می‌گیریم.

مهمترین مؤلفه بنیادین شهر دینی مفهومی به نام جامعه دینی است. «اصطلاح جامعه، در جهت مشخص کردن گروه اجتماعی اساسی، دائمی (در برابر گروه‌های موقت و تصادفی)، دارای گستره‌ای بسیار و یک سرزمین به کار می‌آید. همچنین از این اصطلاح محتوای تداوم، وجود روابط اجتماعی پیچیده، ترکیبی از گروه‌های سنی و یا مبتنی بر جنس، استفاده می‌شود (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۸-۳۸۷).

برخی نیز جامعه را چنین تعریف می‌کنند: «گروهی وسیع، شامل سازمان‌های متعدد که در طی زمان

طولانی، از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشند» (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۳۲۰).

اما وصف دینی برای جامعه چه محتوایی به آن می‌دهد؟ جامعه دینی در جامعه بودن تفاوتی با دیگر جوامع ندارد، بلکه باید همه مقومات یک جامعه مطلق را داشته باشد و افزون بر آن قید دینی هم مؤلفه‌های دیگری بدان می‌افزاید. چه جامعه‌ای، دینی تلقی می‌شود؟ «جامعه‌ای دینی است که مردم آن دغدغه این را دارند که پیوسته ببینند امر خدا، خواست خدا و حکم خدا چیست و در واقع سعی می‌کنند اندیشه‌ها و رفتارهای خودشان را با این خواست و حکم پیوسته تطبیق دهند. جامعه دینی، جامعه‌ای است که مردم آنجا از دین داوری می‌خواهند. بنابراین، دین، داوری می‌کند و این تحوّل تاریخی جوامع است که به پیدایش انواع و اقسامی از جوامع منجر می‌شود و در هر قسم، جامعه، نوع سؤال و نوع نزاع و سطح مسائل، مختلف می‌شود. هر کدام از این‌ها دارای مسائلی هستند که می‌توانند به دین ارجاع دهند و از دین پاسخ بگیرند (علوی تبار، ۱۳۷۷: ۱۶۸-۱۶۷).

به بیان دیگر «جامعه دینی، جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد، آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه دینی دغدغه دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه نسبت میان دین و تمام امور اجتماعی باید سنجیده شود و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمام شبکه اجتماعی نافذ باشد. این بدان معنی نیست که جامعه دینی همه چیزش را تنها از دین اخذ و اقتباس می‌کند و به منابع معرفتی دیگر نظیر عقل و دانش تجربی بشری هیچ نیازی ندارد. مقصود، آن است که در مواردی که دین نظر خاصی درباره روابط اجتماعی ارائه کرده است نباید از آن چشم پوشید، بلکه شایسته و بایسته است که آن رابطه و مناسبات اجتماعی با آموزه دینی مربوط درآمیزد (واعظی، ۱۳۷۸: ۹۰-۸۹).

چنین جامعه‌ای در بافتار مفهومی شهر، شهر دینی به‌شمار می‌آید و یکی از کارویژه‌های الهیات شهر مدل‌سازی‌های مختلف برای شهر دینی است. بر اساس تعاریف فوق از وصف دینی برای شهر، دین، داور است، اما این تعریف، چالشی جدی دارد و آن عبارت است از اینکه «مفاهیم به کار رفته در این تعریف

از چنان وضوحی که لازمهٔ یک تعریف علمی است، برخوردار نیستند و عباراتی از قبیل داوری با دین باشد، یا افراد خودشان را همیشه با دین موزون کنند، بسیار کلی و تا اندازه‌ای هم مبهم هستند» (تقوی، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

منتقدین داورانگاری دین در شهر دینی، نوع نگاه الهیاتی‌شان به شهر، گونهٔ دیگری است. ایشان معتقدند «رسالت اصلی و پیام اساسی دین، هدایت انسان است، معلوم است که مفهوم هدایت غیر از مفهوم داوری بوده و هادی غیر از داور است. در مفهوم هدایت، نوعی دخالت فعالانه نهفته است، در حالی که داوری تنها ارزیابی انفعالی از عمل انجام شده است. هادی جهت‌کدها را مشخص می‌کند و برای این کار به امرونی می‌پردازد، در حالی که داور فقط خوب یا بد و صحت و سقم کردارهای انجام شده را بیان می‌کند (همان: ۱۲۳).

این نگاه الهیاتی به شهر بر پایهٔ هادی‌انگاری دین است و نگاه نخست مبتنی بر داورانگاری دین می‌باشد. الهیات شهری که بر پایهٔ داورانگاری، شهر آرمانی موردنظر خود را مدل‌سازی می‌کند، بسیار متفاوت از الهیات شهری است که بر پایهٔ هادی‌انگاری دین، مدل آرمان‌شهر خود را ارائه می‌نماید. بر پایهٔ داورانگاری دین، شهروندان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و عیار دین‌داری‌شان سنجیده شده و برای آن حکم صادر می‌شود. بر پایهٔ هادی‌انگاری دین، نقش هدایت‌گر معنایی را ایفا می‌کند و نحوهٔ عملکرد هر شهروند را به خود او می‌سپارد.

نتیجه‌گیری

در تحلیل نظری الهیات شهر و ابعاد و اضلاع مفهومی آن با مسائلی همچون تعریف شهر، رابطهٔ دین و شهر، تعریف آرمان‌شهر، تعریف شهر دینی، مدل‌سازی شهر دینی، رو به‌رو هستیم. در مقولهٔ آرمان‌شهر باید مراقب ذهن‌گرایی و در غلتیدن به ورطهٔ ایده‌آلیسم بود و تلاش نمود مدل‌سازی‌ها بر اساس واقعیت‌های در دسترس انجام گیرد. در رابطهٔ دین و شهر نکتهٔ مهم این است که تأثیر و تأثر دوطرفه است و هم دین در مدل‌سازی شهر موردنظر خود تأثیر دارد و هم مقتضیات زمانی و مکانی و مناسبات و روابط پیچیدهٔ شهری بر فهم از

دین تأثیر می‌گذارد. در مدل‌سازی دین برای شهر نیز نوع نگاه به قید دینی برای شهر بسیار مهم است و دست‌کم دو نگاه داورانگاری و هادی‌انگاری دین می‌تواند به مدل‌های متفاوتی منجر شود.

منابع و مأخذ

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، عدل الهی، تهران: صدرا.
۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، ده گفتار، ج ۱، تهران: صدرا.
۳. ظهیری، سیدمجید (۱۳۸۱)، «درآمدی روش‌شناختی بر مسئله نسبت علم و دین»، اندیشه حوزه، ش ۳۴.
۴. ظهیری، سید مجید (۱۳۹۱)، «چیستی و تعریف آرمان‌شهر در مکتب اهل‌بیت»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۹۴.
۵. قادری سهی، بهزاد و جان نثاری لادانی (۱۳۸۸)، «زهرا، آرمان شهر یا هزار توی خرد؟ جدل و یلپام بلیک با فرانسیس بیکن»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۵۴.
۶. ربانی، رسول (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۷. فارابی (۱۹۶۴)، آرای اهل‌المدینه الفاضله، قاهره: دارالمعارف.
۸. ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۷)، المقدمة، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و ایران امروز، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۱۰. بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۱۱. آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۱۲. واعظی، احمد (۱۳۷۸)، جامعه دینی - جامعه مدنی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۳. تقوی، سید مرتضی (۱۳۷۵)، «سخنی در مفهوم جامعه دینی»، فقه اهل بیت، شماره ۷.
۱۴. وفادار، مریم و دیگران (۱۳۹۷)، «معناشناسی شهر از منظر قرآن و علم»، دوفصلنامه علمی ترویجی قرآن و علم، ش ۲۲.
۱۵. شریفیان، احسان و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیلی از مفهوم شهر و ارکان شهرنشینی از منظر قرآن کریم»، مجله علمی پژوهشی هویت شهر، ش ۲۹.
۱۶. آگوستین (۱۳۹۴)، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، پیام به ششمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی، ۱۵ آبان ۱۴۰۰
- <https://esra.ir/fa/web/javadi/w/-d9-be-db-8c-d8-a7-d9-85-d8-a8-d9-87-d8-b4-d8-b4-d9-85-db-8c-d9-86-d8-af-d9-88-d8-b1-d9-87-d8-b7-d8-b1-d8-ad-d9-85-d9-84-db-8c-c2-ab-da-af-d9-81-d8-aa-d9-85-d8-a7-d9-86-d9-86-d8-ae-d8-a8-da-af-d8-a7-d9-86-d8-b9-d9-84-d9-88-d9-85-d8-a7-d9-86-d8-b-1>